



الگوی یکسان قاعده قضاوت تجاری: مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس، آمریکا، استرالیا و ایران

حمید ابهری^{۱*}، ام البنین رمضان زاده بادل^۲، سیده طاهره موسوی خطیر^۳

۱. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.
۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲

چکیده

قاعده قضاوت تجاری^۱ را می‌توان به عنوان دکترینی تعریف کرد که در صورتی که مدیران با حسن نیت، با دقت لازم و در چهارچوب اختیارات و وظایف خویش از جمله وظیفه مراقبت و امانت‌داری عمل نمایند از آن‌ها در برابر مسئولیت‌های شخصی محافظت می‌نماید. بر همین اساس در این پژوهش با مطالعه تطبیقی در حقوق کشورهای آمریکا، انگلیس، استرالیا و ایران و با تمسک به روش توصیفی-تحلیلی، به مدل‌های مختلف کاربرد قاعده قضاوت تجاری اشاره و عواملی را

E-mail: h.abhari@umz.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته حقوق خصوصی دانشگاه مازندران خانم سیده طاهره موسوی خطیر با راهنمایی استاد حمید ابهری و مشاوره استاد ام‌البنین رمضان زاده بادل می‌باشد.



Copyright© 2024, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms

1- THE BUSINESS-JUDGMENT RULE



که منجر به کاربرد این مدل‌ها شده‌اند بررسی گردید. در نهایت قائل بر آن شدیم که شانس استفاده از مدل یکنواخت قاعده قضاوت تجاری بسیار کم است؛ لیکن مکانیزم‌های مدرن نظام راهبری شرکتی^۲ در زمینه مسئولیت‌پذیری و کارایی اقتصادی سیستم‌های حاکمیت شرکتی^۳ را به اجرای یک مدل قانونی یا صریح از کاربرد این قاعده سوق می‌دهد.

کلیدواژه: قاعده قضاوت تجاری، وظیفه مراقبت، وظیفه امانت‌داری، دعوای مشتق، مدل قانونی، مدل صریح، مدل ضمنی.

۱. مقدمه

در جوامع اقتصادی نوین نقش برجسته‌ای برای مدیران (هاشمیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۲) در نظر گرفته شده است، نقشی که طیف وسیعی از اقدامات نظارتی، هدایتی، استراتژیک و کنترلی را دربر می‌گیرد (پاسبان و فرهانی، ۱۴۰۱: ۲۰۵). از این رو به منظور انجام هرچه بهتر اقدامات موصوف بر رعایت برخی مصالح و وظایف توسط مدیران تأکید گردیده؛ تا آنجا که هرگونه عدم رعایت مصلحت شرکت و شرکا و فریبکاری که خلاف اصول درستکاری و صداقت باشد موجب مسئولیت ایشان خواهد گردید (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۴۶). در این میان قاعده قضاوت تجاری^۴ به عنوان راه‌حلی که مدیران می‌توانند به عنوان دفاعی جهت سلب و یا مصونیت از مسئولیت به آن استناد نمایند معرفی شده است.

۲ - نظام راهبری شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران (محمدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۵).

۳ - هنگامی که در خصوص مسائل حاکمیت شرکتی بحث می‌گردد، معمولاً بر نقشی که مدیران در اداره شرکت ایفا می‌کنند و منافعی که باید در تصمیم‌گیری شرکت در نظر گرفته شود، تأکید می‌گردد (Muswaka, 2013: 32). یکی از ویژگی‌های مهم حاکمیت شرکتی ایجاد ساختارها و فرآیندهایی است که مدیران را قادر می‌سازد تا مسئولیت‌های قانونی خود را انجام دهند (Christopher Parry, 2014: 1)

4-business judgment rule



جهت بررسی قاعده قضاوت تجاری بدو^۵ باید میان استانداردهای رفتاری^۶ و استانداردهای بازنگری^۷ تمایز قائل شد. یک استاندارد رفتاری بیان می‌کند که چگونه یک مدیر باید یک فعالیت خاص را انجام دهد یا یک نقش معین را ایفا کند که به‌طور سنتی دو حوزه اصلی وظیفه مراقبت^۸ و وفاداری^۹ را شامل می‌شود (A. Eisenberg, 1998: 35). بر اساس این وظایف مدیران باید با صداقت^{۱۰}، وفاداری^{۱۱} و امانت‌داری همراه حسن نیت^{۱۲} (موسوی مجاب و شیرازی فردویی، ۱۴۰۲: ۷۲)؛ اقدام نموده و در انجام وظایف خویش و جهت ارتقای موفقیت شرکت به صورت کلی^{۱۳} مهارت^{۱۴} داشته و با مراقبت^{۱۵} و کوشش^{۱۶} معقول نسبت به انجام وظایف و تکالیف خویش با استقلال اهتمام ورزند و از تضاد منافع با حقوق شرکت (قلی‌نیا و دیگران، ۱۴۰۲: ۶۱) و سوء استفاده از موقعیت و اطلاعات شرکت خودداری نمایند (Suhel miah, 2015: 1-14; Zhao, 2014: 141). در مقابل، استاندارد بازبینی، که قاعده قضاوت تجاری از این دسته می‌باشد، بیانگر قواعدی است که دادگاه‌ها را بر آن می‌دارد تا رفتار مدیران برای تعیین مسئولیت یا اعطای معافیت قضایی را از طریق دریچه آن مورد ارزیابی قرار دهند.

اگرچه مفهوم این قاعده در کشورهای دیگری که آن را به رسمیت شناخته‌اند بسیار مشابه است، مدل کاربرد و نحوه اجرای آن ممکن است به‌طور اساسی متفاوت باشد (Gurrea-

5-standards of conduct

6-standards of review

7-duty of care

8 -duty of loyalty

9-honesty

10-loyalty

11-fiduciary duties of good 3+faith

۱۲-قید به‌صورت کلی دامنه وظایف مدیران را افزایش می‌دهد زیرا به‌موجب تئوری مسئولیت اجتماعی، شرکت‌ها نه تنها در مقابل سهامداران بلکه در مقابل افراد یا جوامعی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از اقدامات آن‌ها متأثر می‌شوند نیز تعهداتی دارد (نساری، ۱۴۰۲: ۴۱).

13-skills

14-care

15-diligence



(Martínez, 2018: 420). بر همین اساس و با توجه به اهمیت این قاعده، این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست که مدل‌های مختلف کاربرد قاعده قضاوت تجاری چیست؟ عوامل اصلی و حاشیه‌ای تأثیرگذار بر اجرای مدل‌های مختلف کدام هستند؟ و آیا امکان پذیرش الگوی یکسان در خصوص قاعده مذکور وجود دارد یا خیر؟ بنابراین یکی از موضوعات اساسی در حقوق شرکت‌ها توجه به قاعده قضاوت تجاری به عنوان راه‌حلی پیش‌روی مدیران جهت سلب مسئولیت است که در کشورهای مختلف به صورت‌های گوناگون پذیرفته شده است. لذا در کشوری مانند ایران که این قاعده وارد نظام حقوقی آن نگردیده است و در عین حال تلاش می‌کند حقوق شرکت‌ها خود را برای مطابقت با استانداردهای بین‌المللی به‌روز کند، مهم است که از تجربیات سایر کشورها در این زمینه بهره‌مند گردد. بر همین اساس در این پژوهش ضمن بررسی تطبیقی قاعده قضاوت تجاری در حقوق کشورهای انگلیس، آمریکا و استرالیا و ایران؛ مدل‌های مختلف این قاعده و عوامل تأثیرگذار بر مدل‌های مختلف این قاعده بررسی می‌گردد و پیشنهادهایی جهت رفع خلأهای مربوط به این مهم در قانون تجارت ایران ارائه می‌گردد.

۲. مفهوم قاعده قضاوت تجاری^{۱۶}

در عصر رسوایی‌های شرکت‌های بزرگ، فروپاشی‌های مالی جهانی و تخلفات مدیریتی، دو گرایش اصلی برای تعریف استاندارد یکنواخت و صریح مسئولیت به وجود آمده است. گرایش اول به دنبال پاسخ‌گویی و مسئولیت بیشتر مدیران است. گرایش دیگر، تلاش برای کارایی اقتصادی است. در بین این دو گرایش، قاعده قضاوت تجاری وجود

۱۶- طبق نظر برخی از حقوق‌دانان قضاوت تجاری قاعده نیست بلکه نوعی استاندارد برای بررسی قضایی است که مستلزم بررسی جزئی تصمیم‌های تجاری است. از طرف دیگر، می‌توان آن را استاندارد عدم بررسی نامید، که مستلزم عدم بررسی شایستگی تصمیم‌های تجاری است که مقامات شرکت گرفته‌اند (M. Branson, 2002: 631).



دارد که به دنبال تعادل مناسب میان این دو دیدگاه است. در تعریف این قاعده می‌توان گفت: «قاعده قضاوت تجاری دکترونی است که همچون سپری برای مدیرانی که با دقت لازم و کافی و در محدوده اختیارات اقدام نموده‌اند، در برابر انتساب مسئولیت عمل می‌نماید (Arsh, 1979: 93) و به موجب آن در صورتی که اتخاذ تصمیم‌های تجاری متضمن نفع شخصی و معامله با خود نباشد حکم می‌گردد که تصمیم‌های مدیران با حسن نیت، اعتماد راستین به در نظر داشتن مصالح عالییه شرکت؛ با دقت کافی و با این باور صادقانه که به بهترین نحو ممکن به نفع شرکت است صورت پذیرفته است»^۷(MCMILLAN, 2013: 521-522).

دادگاه عالی میشیگان یکی از اولین و شناخته‌شده‌ترین توجیحات را برای این قاعده در دعوی Dodge v. Ford بیان کرد که به موجب آن چنانچه مدیران با حسن نیت رفتار کرده باشند از آنان در برابر مسئولیت محافظت می‌گردد (B. Badawi, 2023: 2). این قاعده که یک اصل قانونی در کشورهای کامن‌لا است، بیان می‌کند که فرض بر این است که مدیران با «حسن نیت» عمل می‌کنند؛ یعنی در چهارچوب استانداردهای امانت‌داری، وفاداری و مراقبت، مدیران در برابر سهامداران مسئولند (McMillan, 2013: 531)، اما تصمیم‌های آنها تنها در صورتی مورد بازبینی قرار می‌گیرند که قوانین رفتاری آشکارا نقض شده باشند (Cabrelli, 2008: 27-28).

۳. مدل‌های کاربرد قاعده قضاوت تجاری

هر یک از حوزه‌های قضایی دارای ویژگی‌های اجتماعی؛ اقتصادی و حقوقی خاصی هستند که زمینه‌ای را برای آنچه مدل‌های مختلف کاربرد قاعده قضاوت تجاری نامیده می‌شود فراهم می‌کند. قاعده قضاوت تجاری در هر حوزه قضایی که تصمیم به اجرای

17 -Aronson v. Lewis, 473 A.2d 805, 812 (Del. 1984)



آن می‌گیرد، به چندین شیوه همانند قاعده قانونی در مقابل قاعده غیرقانونی^{۱۸} و یا به صورت یک فرض قانونی به نفع مدیران شرکت در مقابل یک پناهگاه امن^{۱۹} و یا به صورت قاعده حاکم در مقابل قاعده پیش‌فرض^{۲۰} ممکن است اجرا گردند (GURREA- (MARTINEZ, 2018: 430-436). این مدل‌ها را می‌توان بر اساس روشی که این قانون توسط مراجع قانونی در آن حوزه‌های قضایی به رسمیت شناخته می‌شود، به سه مدل ضمنی، صریح و قانونی^{۲۱} تقسیم نمود که با تأثیر روان‌شناختی این قاعده بر مدیران رابطه‌ای مستقیم دارد.

۴. عوامل اصلی مؤثر بر مدل‌های به کارگیری قاعده قضاوت تجاری

سه موضوع کلیدی وظیفه مراقبت^{۲۲}؛ دعوی مشتق^{۲۳} و دکترین قضایی تأییدشده توسط دادگاه‌ها (DEMETRA, 2003: 228-233 &) از عوامل مهمی هستند که منجر به پذیرش ضمنی، صریح و قانونی قاعده قضاوت در نظام‌های حقوقی کشورهای انگلیس، آمریکا و استرالیا گردیده‌اند. علاوه بر این، مسائل دیگری وجود دارند که نقش فرعی در لزوم و یا عدم لزوم قاعده قضاوت تجاری ایفا می‌نمایند. لذا جهت تبیین عوامل اصلی تأثیرگذار

18-statutory (or codified) rule vs. non-statutory rule

19-presumption in favour of corporate directors vs. as a safe harbor

20-mandatory rule vs. default rule

۲۱- مدل قانونی مدلی است که در آن قاعده قضاوت تجاری به صورت مدون درآمده است. مدل صریح مدلی

است که اگرچه قاعده به صورت مدون درنیامده است اما توسط دکترین قضایی به صورت صریح پذیرفته شده

است و مدل ضمنی مدلی است که نه به صورت مدون درآمده و نه رویه قضایی به صورت صریح آن را پذیرفته

است بلکه دکترین قضایی از منطقی مشابه قاعده قضاوت پیروی می‌کنند.

- تکلیف مدیران به مهارت، مراقبت و کوشش ریشه در کامن‌لا دارد. مراقبت به معنای توجه نشان دادن به

منظور جلوگیری از آسیب یا خطا است. مهارت به دانش افراد اشاره و به معنای توانایی انجام کاری خوب، به

Longman Dictionary of Contemporary English، ویرژ به دلیل اینکه فرد آن را یاد گرفته است می‌باشد (

(ibid, 436). کوشش نیز به معنای سخت کار کردن در عین دقیق بودن است (2005: 1547).

۲۲- دعوی مشتق دعوایی است که توسط سهامداران شرکت علیه مدیران در جهت استیفای حقوق شرکت اقامه

می‌گردد.



بر قاعده قضاوت تجاری، رفتاری را که نظام‌های حقوقی فوق با این قاعده دارند بررسی می‌گردد.

۴-۱. قاعده قضاوت تجاری در حقوق انگلستان

در حقوق انگلیس قاعده قضاوت تجاری مدون و قانونی وجود ندارد.^{۲۴} از دلایل این خلأ قانونی می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

اولاً وظیفه مراقبت در رویه قضایی انگلیس، همان‌طور که در دعوی *Re City Equitable Fire Insurance Co* و *Marquis of Bute's* و *Equitable Fire Insurance Co* (Case) و *Re Brazilian Rubber Plantation and Estates* تعریف شده تا پیش از سال ۱۹۸۶^{۲۵}، شخصی بوده است (Keay & others, 2019: 15-16). بر اساس معیار شخصی در صورتی که مدیران صادقانه به نفع شرکت عمل کنند و در حد توان خود نهایت تلاش خود را به عمل آورند، از وظایف قانونی مبری بودند (Maharaj, 2015: 9).

قانون توقف و اعسار انگلیس مصوب ۱۹۸۶ را می‌توان آغاز مرحله پذیرش توأمان معیارهای مراقبت عینی و شخصی، بر اساس آنچه معقولانه از یک متخصص در موقعیت خود انتظار می‌رود و با توجه به دانش، مهارت و تجربه‌ای که دارد (MUPANGAVANHU, 2016: 29) و همچنین بر اساس فرایند تصمیم‌گیری و رفتار به صورت شخصی (Riley, 1999: 697) در نظر گرفت. پس از آن نیز در ماده ۱۷۴ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ ترکیب معیارهای عینی و شخصی مورد پذیرش قرار گرفت. البته با وجود تصویب این ماده، این کشور همچنان تحت تأثیر معیار شخصی و سایر عللی که در ذیل مطرح خواهد گردید از پذیرش این قاعده خودداری نموده است.

۲۴ - جهت بررسی تاریخی و دقیق چالش‌های قاعده قضاوت و همچنین تقسیم‌بندی بازه زمانی آن قاعده در حقوق انگلیس به مقاله *Business Judgment and Director Accountability: A Study of Case-law Over Time+* نوشته Andrew Keay و همکاران ایشان مراجعه گردد.
25 - Insolvency Act 1986



ثانیاً، در انگلستان طرح دعوی مشتق^{۲۶} بسیار پیچیده‌تر است و سود کمتری نسبت به ایالات متحده دارد (Maharaj, 2015: 21). از مهم‌ترین الزامات طرح دعوی مشتق در حقوق این کشور این است که باید قبل از ادامه دعوا در دادگاه ابتدا تأیید دعوی را دریافت کنند^{۲۷} (Farrar & Hannigan, 1998: 435-440). ضمناً در بریتانیا برخلاف آنچه در ایالات متحده اتفاق می‌افتد، برای وکلایی که از جانب سهامداران اقامه دعوا می‌کنند، حق الوکاله احتمالی یا مشروط^{۲۸} وجود ندارد. این در عمل ممکن است شروع مؤثر این نوع دعاوی را کاهش دهد.

ثالثاً، راه‌حل‌های قضایی دیگری در این نظام حقوقی وجود دارند که نسبت به دعوی مشتق ساده‌تر و کارآمدتر به نظر می‌رسند. به عنوان مثال بیمه مسئولیت مدیران در قبال تخلف از وظایف ایشان است که به موجب ماده ۲۳۳ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ می‌تواند در قبال چنین مسئولیتی برای هر یک از مدیران خود بیمه خریداری کند و یا طبق ماده ۲۳۴ در قبال مسئولیتی که مدیر متخلف در قبال شخص ثالثی دارد غرامت پرداخت نماید^{۲۹}. علاوه بر این، به دلیل دکترین قضایی که از منطق مشابه قاعده قضاوت تجاری حمایت می‌کند؛ دادگاه‌ها را به کاهش حداکثری مداخله در تصمیم‌های تجاری مدیرانی که با حسن نیت اقدام می‌نمایند سوق می‌دهد (Schneema, 2013: 358-360). از همه مهم‌تر اینکه،

۲۶- برخلاف حقوق ایران که دعوی مشتق عادی به صورت محدود در شرکت‌های سهامی پذیرفته شده، در حقوق انگلیس دعوی مشتق هم به صورت عادی و هم به صورت چندجانبه پذیرفته شده است (طهماسبی، ۱۴۰۱: ۱۰۳-۱۰۵).

27- Companies Act 2006. Section 263(2)(3)

۲۸- در این نوع حق الوکاله‌ها در صورت شکست در دعوا حق الوکاله‌ای به وکیل تعلق نخواهد گرفت اما در صورت پیروزی چند برابر تعرفه حق الوکاله یا درصدی از محکوم‌به، به او تعلق خواهد گرفت (صفری و جهان‌شاهی، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

29- <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/46/notes>



مصادیق تجارت غیرقانونی در ماده ۲۱۴ قانون توقف و اعسار ۱۹۸۶ مرقوم گردیده^{۳۰} و ماده ۷۲۷ قانون شرکت‌ها ۱۹۸۵ که اکنون با تصویب قانون شرکت‌های جدید نسخ شده است، نیز مقرره‌ای مشابه قاعده قضاوت تجاری را ارائه می‌نموده است.^{۳۱}

۲-۴. قاعده قضاوت تجاری در حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا اولاً در مقایسه با استرالیا و انگلیس، وظیفه مراقبت به صورت دقیق و گسترده اجرا نمی‌شود (Velasco, 2015: 679-685) که همین موضوع منجر به افزایش دعاوی قضایی می‌گردد.^{۳۲} ثانیاً، در رویه حقوقی شرکت‌ها در آمریکا، دعوای مشتق، یکی از نگرانی‌های اصلی مدیران است، زیرا حق الوکاله احتمالی یا مشروط^{۳۳} انگیزه قوی برای وکلا ایجاد کرده است تا سهامداران را تشویق به انجام چنین اقداماتی کنند. برای اولین بار در یک تصمیم دادگاه عالی لوئیزیانا در سال ۱۸۲۹ در دعوی Percy v Millaudon مفهوم قاعده قضاوت تجاری به حقوق عمومی آمریکا وارد شد. در سال ۱۸۴۷، دادگاه عالی آلاباما^{۳۴} در دعوی Godbold v Branch Bank و در سال ۱۹۲۷، دادگاه عالی دلاور در دعوی Bodell v Gen Gas & Electric Corp نیز استناداری مشابه قاعده قضاوت

۳۰- بر اساس ماده ۲۱۴(ب) مدیر شرکتی که متعاقباً ورشکسته شده، در صورتی که به شرکت اجازه ادامه تجارت دهد، در حالی که قبل از شروع انحلال شرکت، می‌دانست یا باید می‌دانست که هیچ چشم‌انداز معقولی وجود ندارد که شرکت از ورشکستگی اجتناب کند ممکن است به تجارت غیرقانونی محکوم گردد.

۳۱- برخلاف قاعده قضاوت تجاری آمریکا و استرالیا که شامل اعمال اجباری این قاعده است، ماده ۷۲۷ قاضی را مجبور به اعطای تخفیف نمی‌کند و در صورتی که به تشخیص قاضی، مدیری صادقانه و منطقی عمل نکرده باشد، ممکن است این مهم عملی نشود.

۳۲- در دعوی Aronson v. Lewis و Smith v. Van Gorkom که از نقاط عطف رویه قضایی قاعده قضاوت تجاری هستند، وظیفه مراقبت و مسئولیت مدیران بر مبنای سهل‌انگاری فاحش سنجیده شده است (J. Rhee, 2013: 1142).

33-contingent fee

34 -the Alabama Supreme Court



تجاری را اتخاذ نمودند^{۳۵}.

در حال حاضر دو شیوه رایج از قاعده قضاوت تجاری در آمریکا وجود دارد. از یک سو شیوه مؤسسه حقوق آمریکا^{۳۶} است که توسط چندین دادگاه عالی ایالتی پذیرفته شده و از سوی دیگر، صورت‌بندی رویه قضایی دلاور است (M. Branson, 2011: 689). به موجب ماده ۴.۰۱(a) اصول مدیریت مؤسسه حقوق آمریکا^{۳۷}؛ یک مدیر باید با حسن نیت و با روشی که معتقد است به نفع شرکت است و رعایت وظیفه مراقبت به‌گونه‌ای که تحت شرایط مشابه توسط یک فرد معمولی محتاط اعمال می‌شود اقدام نماید (Knowles & Flannery, 1995: 18). به موجب ماده ۴.۰۱(c) قانون نمونه شرکت‌های تجاری^{۳۸} مؤسسه حقوق آمریکا مدیری که با حسن نیت تصمیم‌های تجاری خود را اتخاذ می‌نماید وظایف خود را طبق این ماده انجام داده است اگر نفع شخصی در موضوعی که نسبت به آن تصمیم‌گیری تجاری اتخاذ نموده نداشته باشد و در مورد آن موضوع تا حدودی که آن مدیر به‌طور منطقی معتقد است که آن میزان اطلاعات تحت آن شرایط مناسب است، مطلع باشد و به صورت عاقلانه معتقد باشد که آن تصمیم‌گیری تجاری به نفع شرکت است (I. Steinberg, 1983: 301).

قانون پرونده دلاور دیگر شیوه رایج قاعده قضاوت تجاری را توسعه داد. موارد اساسی که در سراسر آن‌ها دکترین قضاوت تجاری تأکید شده است عبارتند از دعوی

۳۵- پرونده‌هایی همانند *Zapata Corp v. Maldonado* و *Joy v. North* از جمله دعاوی می‌باشند که نارضایتی از اعمال نامحدود قاعده قضاوت تجاری را نشان می‌دادند. با این حال بیان مجدد وظایف و محدودیت‌های این قانون توسط دادگاه آرونسون نشان می‌دهد که قاعده قضاوت تجاری جایگاه خود را در حقوق شرکت‌ها حفظ کرده است. تلاش مؤسسه حقوق آمریکا برای تدوین قاعده قضاوت تجاری نیز از ادامه آن حمایت نمود (A. Peeples, 1985: 463-464).

36-the American Law Institute (ALI)

۳۷- اصول این مؤسسه در اصل چیزی جز توصیه‌ای نیست که توسط مؤسسه حقوق آمریکا پیش‌نویس شده است، اما تأثیر آن بر قوانین فدرال و همچنین دادگاه‌ها و وکلا و محققان غیرقابل انکار است (Knowles & Flannery, 1995: 5).

38-Model Business Corporations Act



آرونسون علیه لوییس^{۳۹} و ترانس یونین^{۴۰} و سید^{۴۱}.
در دعوی آرونسون علیه لوییس، دادگاه تأیید کرد که فرض می‌گردد که در تصمیم-گیری تجاری، مدیران بر مبنای آگاهانه، با حسن نیت و با این باور صادقانه عمل کردند که اقدام انجام شده به نفع شرکت بوده است (A. Peebles, 1985: 459).
در دعوی اسمیت در برابر ون گورکوم که با نام ترانس یونیون^{۴۲} نیز شناخته می‌شود، برای دادگاه اثبات گردید که مدیران از تمام اطلاعات منطقی لازم برای تصمیم‌گیری آگاهانه استفاده نکرده‌اند و مرتکب نقض وظایف گردیدند^{۴۳} (J. Rhee, 2013: 1146).
مورد آخر دعوی سید و شرکت سینرما علیه تکنیکالر^{۴۴} است. در این پرونده دادگاه قیدی دیگر را مطرح نمود مبنی بر اینکه مدیران باید در اقدامات خویش به دنبال جستجوی راه‌حل‌های جایگزین باشد و نقش مستقیم و فعالی در شرکت ایفا نمایند (M. Bainbridge, 2004: 91-95).
تفاوت اساسی بین دو شیوه مطروحه این است که در حالی که در پیشنهاد موسسه حقوقی، بار اثبات عناصر قاعده بر دوش مدیران است، در دکترین دلور، قاعده به عنوان یک فرض به نفع آن‌ها عمل می‌کند و رد آن فرض بر عهده شاکی است (M. Branson, 2011: 691-693).

۳-۴. قاعده قضاوت تجاری در حقوق استرالیا

39-Aronson v. Lewis(1984)

40-Trans Union

41-Cede

42-Smith v. Van Gorkom

۴۳ - این پرونده به فرصتی تاریخی برای مدیران شرکت‌ها تبدیل شد. این فرصت، اصلاح ماده ۲(b)(۷) قانون شرکت عمومی دلور در ژوئن ۱۹۸۶ بود که مسئولیت مدیران را در قبال سهل‌انگاری فاحش حذف کرد. این مسیر توسط اکثر حوزه‌های قضایی دیگر در ایالات متحده دنبال شده است (B. Badawi, 2023: 8-9).

44 -Cede & Co. v. Technicolor, Inc.(CEDE)



دادگاه‌های استرالیا از مدت‌ها قبل، از بازنگری تصمیم‌های تجاری صادقانه و با حسن نیت^{۴۵} مدیران خودداری می‌نمودند^{۴۶}. در دعاوی متعددی می‌توان این نگرش را یافت که از مشهورترین آن‌ها دعوی AWA Ltd v. Daniels بوده است (Gramitto Ricci & Miyairi, 2016: 5-6). در استرالیا در سال ۱۹۹۷ تلاش‌هایی برای اصلاح وظایف مدیران و توسعه قاعده قضاوت تجاری^{۴۷} صورت پذیرفت تا اینکه در نهایت قاعده مذکور طی ماده ۱۸۰ قانون شرکت‌های استرالیا^{۴۸} مدون گردید^{۴۹} (Legg & Jordan, 2014: 404-406). بر اساس ماده ۱۸۰(۳) این قانون، قضاوت تجاری، هر تصمیمی برای اقدام یا عدم اقدام در رابطه با موضوعات مربوط به عملیات تجاری شرکت است. بر اساس ماده ۱۸۰ و ۱۸۱، یک مدیر باید در چهارچوب اختیارات، وظایف خود را با دقت و به‌نحوی که یک فرد معقول اگر در شرایط مدیر آن شرکت بود انجام می‌داد، انجام دهد. مدیر در صورتی می‌تواند به قاعده قضاوت تجاری استناد کند که الزامات فوق و وظایف مشابه موجود در قانون عرفی و انصاف در رابطه با تصمیم‌گیری را انجام داده و با حسن نیت و برای وصول به هدف مناسب تصمیم گرفته باشد و نفع شخصی در آن موضوع نداشته باشند و همچنین در مورد موضوع قضاوت در حدی که منطقاً مناسب بداند و معتقد است که به نفع شرکت است آگاه باشد.

ضمناً در استرالیا بار اثبات مسئولیت به عهده مدیری است که از ادعای نقض وظیفه دفاع می‌کند. در حقوق آمریکا و انگلیس بار اثبات به عهده شخصی است که ادعای نقض

45-bona fide business judgments

۴۶ - در این خصوص می‌توان به پرونده‌هایی همانند پرونده Harlowe's Nominees Pty Ltd v Woodside Pine Vale Investments v McDonnell and East Ltd (1983) و (Lakes Entrance) Oil Co (1968) مراجعه نمود.

47-Corporate Law Economic Reform Program (CLERP)

48-Section 180 of the Corporation Law

۴۹ - تصمیمات Rogers CJ در پرونده Daniels v Anderson (1995) انگیزه اصلاح و تدوین این قاعده بود (Gramitto Ricci & Miyairi, 2016: 5-6).

50-<https://www.legislation.gov.au/C2004A00818/2019-07-01/text>



وظیفه را مطرح می‌کند که باید برای اثبات نقض وظیفه، سهل‌انگاری فاحش را نشان دهد؛ بنابراین اگرچه این قانون به طور مشابه با شیوه موسسه حقوق آمریکا تهیه شده است، اما نباید از این موضوع غافل گردید که سیستم‌های شرکتی این دو کشور با یکدیگر متفاوت هستند و براین اساس، ممکن است به نتایج قضایی یکسانی منجر نشوند؛ زیرا سیستم شرکتی آمریکا نه تنها بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از سیستم استرالیا است، بلکه کاملاً مبتنی بر یک رژیم قانونی متفاوت است (Legg & Jordan, 2014: 409-414). علاوه بر این قاعده قضاوت تجاری استرالیا کاربرد محدودتری دارد و نسبت به قوانین حوزه‌های مقایسه‌کننده از مدیران حمایت کمتری می‌کند (Allens, 2020: 2). تمام این تفاوت‌های مهم در حقوق استرالیا موجب می‌گردد علی‌رغم اینکه قاعده قضاوت تجاری در حقوق استرالیا به صورت مدون تنظیم و در نظام حقوق آن کشور وارد گردیده ولی در عمل کاربرد کمتری در حقوق آن کشور داشته و عملکرد روشنی نداشته و مسئولیت زیاد بر دوش مدیران قرار داده است (Hargovan & du Plessis, 2014: 1).

۴-۴. قاعده قضاوت تجاری در حقوق ایران

در صورتی که مدیران در تصمیم‌گیری‌های خویش مرتکب تقصیر و یا تخلف گردند بر اساس مواد ۱۴۲ و ۲۷۶ لایحه اصلاح قانون تجارت موجبات مسئولیت ایشان در برابر شرکت فراهم می‌گردد. لیکن پرسش مهمی که به ذهن متبادر می‌گردد این است که در صورتی که خسارت وارده به طور خاص ناشی از تصمیم نادرست مدیران باشد، مسئولیت یا عدم مسئولیت مدیران در برابر شرکت از نظر حقوقی به چه صورت خواهد بود؟ در این خصوص برخی معتقدند که مسئولیت مدیران محدود به ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت. نبوده و تابع مقررات عام مسئولیت مدنی است (اسکینی، ۱۳۹۲: ۲۱۱). به موجب این دیدگاه با استناد به مواد ۱۱۴، ۱۲۹ و ۱۴۲ جهت مسئول شناختن مدیران، اثبات تقصیر آن‌ها الزامی است (ستوده تهرانی، ۱۳۹۶: ۲۲۲). برخی نیز معتقدند که چنین نگاهی نسبت به تعهدات مدیران و صلاحیت آن‌ها در اداره امور شرکت، موافق قواعد عمومی مسئولیت



است؛ اما با توجه به اهمیت و حساسیت نقش مدیران در اداره شرکت مراجعه به قواعد عمومی مسئولیت؛ روش بهینه‌ای نمی‌باشد (سلطانی و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۵۱) و اقتضائات خاص حقوق شرکت‌ها، به همراه برخی اصول عام حقوقی و نیز برخی استدلال‌ات منطقی می‌تواند موجبات مصونیت مدیران از مسئولیت را تقویت کند^{۵۱} (شهینایی، ۱۴۰۱: ۵۳۹-۵۴۰). علاوه بر این قاعده استیمان را به دلیل تأکید بر رعایت مصلحت شرکا و اقدام و رفتار متعارف، می‌توان از نظر نتیجه مشابه قاعده قضاوت تجاری دانست لیکن از نظر شیوه عمل با یکدیگر متفاوت هستند (باریکو و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۱). این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که قواعد عمومی مسئولیت مدنی را نمی‌توان با قاعده قضاوت تجاری یکی دانست. چراکه بر اساس قاعده قضاوت تجاری از بازبینی تصمیم‌های مدیران خودداری می‌گردد. بر اساس قواعد مسئولیت مدنی اثبات تقصیر مدیران جهت مسئولیت آنان الزامی است لیکن بر اساس قاعده قضاوت تجاری صرف وجود تقصیر، رابطه سببیت کافی نیست و باید نقض تعهدات امانی از جمله سوء نیت مدیران یا منفعت‌طلبی شخصی و یا بی‌منطقی فاحش (نه صرف اشتباه) ایشان اثبات گردد (سلطانی و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۳۳).

بنابراین با توجه به بررسی‌های فوق مشخص می‌گردد علی‌رغم اینکه می‌توان قاعده قضاوت تجاری را جهت حمایت از مدیران در نظام حقوقی ایران شناسایی نمود اما با توجه به اینکه این قاعده در حقوق شرکت‌ها صراحتاً به رسمیت شناخته نشده است، در عمل قضات و سایر افراد مرتبط باید به قواعد عام مسئولیت مدنی و یا قانون مدنی و قواعد فقهی مراجعه نمایند. البته مراجعه به قوانین دیگر و یا فقه در حوزه تجاری که

۵۱ - جهت بررسی دقیق مبانی همانند اقتضائات حقوق شرکت‌ها، کارکرد هیئت مدیره در شرکت و اوصاف منحصر، مطلق و مستقل بودن این کارکرد، صلاحیت تشخیصی مدیر در اداره شرکت، وظیفه مدیران در پیشبرد منافع شرکت با تسهیل ریسک‌پذیری متعارف در تصمیم‌گیری که می‌توان بر اساس آن‌ها قاعده قضاوت تجاری را توجیه نمود به مقاله "تبیین و تحلیل قاعده «حق صلاحدید حرفه‌ای مدیران» در حقوق شرکت‌ها با تطبیق مبانی آن در حقوق ایران" نوشته احمد شهینایی مراجعه گردد.



مقررات آن برگرفته از حقوق خارجی است و با موضوعات بسیار پیچیده در سطح فرامرزی مواجه است به لحاظ روش شناختی با تردیدهای اساسی و جدی روبرو است (یزدانیان، ۱۳۸۹: ۸۹). چراکه در حقوق کشورهای آمریکا، استرالیا، انگلیس تعهدات و وظایف گوناگونی را عموماً تحت عنوان تعهدات عام مدیران شرکت‌های تجاری مرقوم نموده‌اند، لیکن در حقوق ایران علی‌رغم اهمیت این تکالیف و وظایف، معیار و ملاک خاصی ارائه نگردیده است و مصادیق این تعهدات و مصالحی که باید توسط مدیران رعایت گردد به صورت شفاف تبیین نگردیده است. در نتیجه عدم تبیین صریح این تعهدات عام و یا استانداردهای رفتاری منجر می‌گردد که مسئولیت یا عدم مسئولیت مدیران به تفسیر قضات از شیوه رفتاری مدیران و تطبیق آن با عرف موکول گردد که در نهایت منتهی به بی‌نظمی و صدور آرای غیرمشابه در دادگاه‌ها می‌گردد.

بنابراین این قاعده صراحتاً در نظام حقوقی ایران وجود ندارد، لیکن یک عمل تجاری سودآور به نوعی ریسک‌پذیری بستگی دارد لذا مدیران باید آزادی‌های لازم را برای تصمیم‌گیری و اداره امور شرکت داشته باشند (باریکلو و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۹). لذا توصیه می‌گردد بدو دامنه استانداردهای رفتاری مدیران و تعهدات و وظایف عام و دامنه مسئولیت ایشان تبیین و جهت حمایت از مدیران علاوه بر این تعهدات و استانداردهای رفتاری، قاعده قضاوت تجاری نیز در نظام حقوقی ایران وارد گردد تا مدیران از عواقب تصمیم‌هایی که با حسن نیت و رعایت تعهدات امانی اتخاذ نموده‌اند مبری گردند.

۴-۵. تأثیر عوامل اصلی بر قاعده قضاوت تجاری

با بررسی رفتار کشورهای فوق نسبت به پذیرش قاعده قضاوت تجاری برخی پارادوکس‌ها و تضادها میان عوامل اصلی مؤثر با قاعده قضاوت تجاری و مدل‌های کاربرد این قاعده آشکار می‌گردد. به عنوان نمونه موضوع دعوای مشتق را می‌توان در دو بخش در دسترس بودن دعوای مشتق به نفع سهامداران و سطح مؤثر اجرای آن بررسی نمود؛ زیرا در حوزه‌های قضایی مانند استرالیا، علی‌رغم وجود مقرراتی که



دعوی مشتق را تأیید می‌کند، مقررات مربوطه به طور گسترده مورد استفاده قرار نگرفته و یافته‌های قضایی به دلایل مختلف متناقض است (Thai, 2013: 242).^{۶۲} در استرالیا علی‌رغم پذیرش قانونی قاعده قضاوت، دعوی مشتق به صورت گسترده اجرا نمی‌گردد یا در آمریکا هر سه فاکتور اصلی وجود دارد و دعوی مشتق بسیار جدی اجرا می‌گردد اما به صورت بالعکس قاعده قضاوت در آن به صورت صریح پذیرفته شده نه قانونی؛ و از سوی دیگر، در استرالیا حتی بدون پذیرش سطح بالایی از دعوی مشتق، قاعده قضاوت تجاری به صورت قانونی پذیرفته شده است و در مقابل انگلیس با وجود سطح بالایی از وظیفه مراقبت و رویه قضایی پذیرفته شده مدل ضمنی را اجرا می‌کند. لذا اگرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد که این عوامل تأثیر مستقیمی بر قاعده قضاوت دارند، اما در رویه عملی کشورها خلاف آن مشاهده می‌گردد. این مثال‌ها نشان می‌دهد که ممکن است هیچ رابطه مستقیمی بین مدل‌های کاربرد قاعده قضاوت و عوامل اصلی ذکر شده وجود نداشته باشد و این عوامل برای تعیین مدل کاربرد قاعده کافی نیستند.

۵. عوامل فرعی تأثیرگذار بر مدل‌های قاعده قضاوت تجاری

تناقضات در پرونده‌های آمریکایی و استرالیایی و انگلیسی نشان می‌دهد که علاوه بر عوامل اصلی تأثیرگذار، عوامل فرعی نیز هستند که بر کاربرد مدل‌های مختلف تأثیر می‌گذارند. در ذیل برخی از این عوامل بررسی می‌گردد.

۵-۱. سیاست‌های اقتصادی

شرکت‌های تجاری نقش کلیدی در ایجاد شغل، ارتقای نوآوری، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی هر کشور ایفا می‌نمایند (Dvorsky & others: 2020: 96). اصلاحات اقتصادی

52-Pt 2F.1A of the Corporations Act 2001(Cth)



در استرالیا نمونه‌ای عالی است از این که چگونه سیاست‌های اقتصادی به طور مستقیم بر چهارچوب شرکتی یک کشور و درک مدل کاربرد قاعده قضاوت تجاری و در نهایت تأثیر روانی آن بر مدیران و خلاقیت و نوآوری ایشان تأثیر می‌گذارد.^{۵۳} یکی از عوامل کلیدی برای تصویب قانون شرکت‌ها ۱۹۹۳ ترویج ساختارهای حاکمیت شرکتی بهینه بدون به خطر انداختن انعطاف‌پذیری و نوآوری مدیران بود؛ بنابراین هر چه علاقه به ارتقای کارایی اقتصادی بیشتر باشد، به‌کارگیری مدل قانونی قاعده قضاوت تجاری مناسب به نظر می‌رسد و هرچه کارایی و عملکرد اقتصادی اهمیت کمتری داشته باشد مدل ضمنی یا صریح از کاربرد قاعده می‌تواند مناسب باشد.

در کنار عوامل فوق، اخیراً یک سیاست جدید تحت عنوان سیاست پاسخ‌گویی و شفافیت شرکت^{۵۴} نیز مطرح گردیده است. یکی از نمونه‌های مهم، تصویب قانون^{۵۵} Sarbanes Oxley Act در سال ۲۰۰۲ در ایالات متحده است که به‌روزترین اصلاحات شرکتی قرن است (Abdullah & Al-Jafari, 2011: 43). ضمناً از تأثیر قاعده زیان اقتصادی خالص^{۵۶} نیز نمی‌توان غافل گردید.^{۵۷}

۲-۵. ضرورت تبیین و تسهیل دسترسی به ضوابط قاعده قضاوت تجاری و سرعت

53-Economic Policy Reform and Australia's Recent Economic Performance, from Budget Paper No.1: Budget Strategy and Outlook 1999-2000.

54-the policy of corporate accountability and transparency

55- به موجب این قانون تعهدات گزارش‌دهی شرکت‌های دولتی تغییر یافت و مهم‌تر از همه، مدیریت و یک حسابرس خارجی نیاز است که سالانه اثربخشی کنترل‌های داخلی شرکت را بر گزارشگری مالی ارزیابی کنند. علاوه بر این، مدیریت را ملزم می‌کند تا گزارش‌های دوره‌ای شرکت را تأیید کند، استقلال هیئت مدیره و الزامات سواد مالی را تقویت می‌کند و استانداردهای استقلال حسابرس را افزایش می‌دهد (Kamar & others, 2007: 1-2).

56-The pure economic loss rule

۵۷ - قاعده زیان اقتصادی خالص به معنای زیان مالی است که با آسیب شخصی یا خسارت مالی همراه نیست و می‌توان آن را همانند قاعده عدم‌النفع در حقوق ایران دانست (Farnsworth, & J. Rhee, 2013: 1173-1191 & 545: 2016). این قاعده با قاعده قضاوت تجاری مشترکات بسیاری نیز دارند.



در رسیدگی

ایجاد ضوابط مشخص در رابطه با امکان استناد به قاعده قضاوت تجاری، از عوامل مهمی هستند که کشورها را بر آن می‌دارند تا نسبت به مدون نمودن این قاعده اقدام نمایند. از مزایای این مدل، علاوه بر تسهیل دسترسی اشخاص به ضوابط، می‌توان به سرعت رسیدگی به دعاوی و همچنین لازم‌الاجرا بودن آن‌ها بدون نیاز به اصلاح اساسنامه اشاره نمود. قاعده قضاوت تجاری نظام حقوقی استرالیا نمونه خوبی در این خصوص است. پس از پرونده AWA و علی‌رغم اینکه دکترین قضایی موجود تمایلی به بازبینی تصمیم‌های مدیران نداشتند، اما قانون‌گذار این کشور تصمیم به مدون نمودن این قاعده نمود. از دلایل آن نیز می‌تواند این باشد که عرف به عنوان منبع قانون نمی‌تواند تمام ابزارهای لازم را فراهم کند. دادگاه‌ها برای ارائه نظر به یک مناقشه واقعی نیاز دارند که رسیدگی به آن ممکن است سال‌ها به طول بیانجامد که صرف چنین زمان طولانی برای کشورهایی که داعیه اصلاحات اقتصادی دارند ناپسند است.

۳-۵. محدودیت‌های قانونی و قراردادی مسئولیت

راه‌حل‌های گوناگون قانونی و قراردادی ممکن است در نظام‌های حقوقی مختلف جهت محدودیت مسئولیت مدیران پیش‌بینی گردد. محدودیت مسئولیت مدیران می‌تواند بر اتخاذ یک مدل خاص از قاعده قضاوت تأثیر بگذارد. اگر چنین محدودیت‌هایی مورد استقبال سیستم حقوقی قرار گیرد، مدل کاربرد صریح یا ضمنی می‌تواند نیازهای جامعه مدیران را برآورده کند. در مقابل، زمانی که در دسترس بودن آن ابزارها محدود یا گران باشد، استاندارد قانونی (و حتی صریح) قاعده مناسب به نظر می‌رسد. به عنوان مثال بر اساس ماده ۲۳۲(۱) قانون شرکت‌های انگلیس یک شرکت نمی‌تواند هیچ یک از مدیران خود را از مسئولیت معاف نماید. شرکت مزبور صرفاً می‌تواند در قبال چنین مسئولیتی برای هر یک از مدیران خود بیمه خریداری یا اینکه در قبال مسئولیتی که مدیر متخلف در قبال



شخص ثالثی دارد غرامت پرداخت نماید^{۵۸}. البته همین موضوع ممکن است منجر به بی‌توجهی مدیران نسبت به وظایفشان گردد، به ویژه اگر خود حق بیمه را پرداخت ننموده باشند (Finch, 1992: 212). ضمناً افزایش هزینه بیمه ممکن است منجر به عدم پذیرش سمت مدیریت و یا استعفا مدیران گردد. همین دلایل باعث گردید قانون‌گذار دلاور با محدود کردن مسئولیت مدیران در ماده ۱۰۲(ب)(۷)^{۵۹} به دنبال کاهش بحران مسئولیت مدیران بود. سایر قانون‌گذاران ایالتی به پیروی از دلاور، اقدامات مختلفی را برای محدود کردن مسئولیت مدیر برای جذب افراد توانمند و واجد شرایط برای خدمات هیئت مدیره تصویب کردند.

۶. امکان به‌کارگیری الگوی یکسان قاعده قضاوت تجاری

با تجزیه و تحلیل عوامل اصلی تأثیرگذار بر قاعده قضاوت تجاری در قوانین شرکتی در انگلیس، آمریکا و استرالیا برخی تناقضات مشاهده می‌گردد. بدین دلیل؛ سه عامل اصلی را تنها می‌توان به عنوان طرحی کلی و انتزاعی پذیرفت که در برخی مواقع ممکن است در تبیین پدیده‌های خاص ناکام بماند. لذا پذیرش هر یک از مدل‌های قاعده قضاوت؛ به همه عوامل اصلی و حاشیه‌ای موجود در هر حوزه قضایی بستگی دارد؛ بنابراین، یک قاعده جهانی یا یک توصیه کلی برای اتخاذ مدل معین اعمال قاعده قضاوت وجود ندارد. البته با وجود عدم امکان ترسیم یک مدل یکسان از کاربرد قاعده قضاوت، نشان داده شد که می‌توان الگوهای کلی و انتزاعی زیر را ترسیم کرد:

الف) از بین همه عوامل اصلی حاکم بر مدل قاعده قضاوت تجاری، تنها موردی که در سه حوزه قضایی که چنین قاعده‌ای را به رسمیت می‌شناسند، وجود دارد، دکترین ممنوعیت ارزیابی قضایی^{۶۰} نسبت به بازنگری تصمیم‌های مدیران است چراکه به موجب

58 - <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/46/notes>

59-section 102(b)(7) of title 8 of the Delaware Code

60-abstention doctrine



این رویکرد تصمیم‌های مدیران به صرف اینکه منافع شرکت را تأمین نکرده است، قابل رسیدگی قضایی و موجب مسئولیت مدنی شخصی نیست (باریکلو، ساردوئی‌نسب و میرجلیلی، ۱۴۰۰: ۹۹). لذا دکترین ممنوعیت ارزیابی قضایی را می‌توان پیش‌نیازی برای در نظر گرفتن کاربرد قاعده قضاوت تجاری، در هر یک از مدل‌ها دانست.

ب) افزایش امکان طرح دعوای مشتق نشان می‌دهد که مدیران بیش‌ازپیش مورد نظارت قضایی قرار خواهند گرفت و از سوی دیگر، اصلاحات و دگرگونی‌های قانونی روند روشن و سخت‌گیرانه پاسخ‌گویی را نشان می‌دهد. تصویب قوانینی مانند قانون Sarbanes-Oxley نشان می‌دهد که نظارت سخت‌گیرانه نسبت به مدیران می‌تواند از عوامل اصلی برای توجه بیشتر برای کاربرد گسترده قاعده قضاوت و بالتبع پذیرش مدل قانونی این قاعده باشد.

د) با توجه به عوامل حاشیه‌ای تأثیرگذار بر قاعده قضاوت، هرچه وضعیت اقتصادی کارآمدتر باشد اهمیت توسعه قاعده قضاوت بیشتر حس می‌گردد. علاوه بر این مدل‌های قانونی یا صریح کاربرد قضاوت تجاری مستلزم وضوح در وظیفه مراقبت و خود ساختار قضاوت تجاری دارند. ثالثاً، هنگامی که در دسترس بودن محدودیت‌های قانونی و قراردادی مسئولیت محدود یا گران باشد، یک مدل قانونی با صریح از کاربرد قضاوت تجاری مناسب به نظر می‌رسد.

در مورد قابل اجرا بودن یک مدل یکنواخت از کاربرد قاعده قضاوت تجاری باید توجه نمود که هر کشوری دارای ارکان قانونی، ویژگی‌های خاص شرکتی و شرایط اقتصادی منحصر به فرد است که امکان اتخاذ یک مدل یکسان از قاعده قضاوت تجاری را به یک کار سخت تبدیل می‌کند. بر این اساس، ترسیم راه‌حل‌های جهانی در رابطه با لزوم اتخاذ یک قاعده قضاوت تجاری قانونی راحت نیست.

بنابراین علی‌رغم عدم امکان ترسیم یک مدل جهانی، می‌توان بیان کرد؛ حوزه‌های قضایی که از روند مسئولیت‌پذیری مدیریت و کارایی اقتصادی استقبال می‌کنند، از مدل‌های قانونی یا صریح کاربرد قاعده قضاوت استفاده خواهند کرد.



۷. نتیجه‌گیری

بسیاری از کشورهای پیشرو در زمینه حقوق شرکت‌ها، قاعده قضاوت تجاری را به عنوان راهی برای بهبود شیوه‌های حاکمیت شرکتی خود اجرا کرده‌اند یا در حال برنامه‌ریزی برای اجرای آن هستند. بررسی‌های فوق‌نشان می‌دهد که برخلاف حقوق ایران که تاکنون تلاشی جهت معرفی قاعده قضاوت تجاری در قانون تجارت نگردیده است، در نظام‌های حقوقی انگلیس، آمریکا و استرالیا، ضمن تأکید بر افزایش دامنه مسئولیت مدیران، برای حمایت متقابل از ایشان قاعده قضاوت تجاری را اجرا نموده‌اند که در صورت استناد به آن مدیران دارای حسن نیت می‌توانند از مسئولیت معاف گردند. طبق تحلیل صورت گرفته در این پژوهش بیان گردید که هر یک از حوزه‌های قضایی دارای ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی خاصی هستند که از پذیرش آنچه مدل‌های مختلف کاربرد قاعده قضاوت تجاری نامیده می‌شود خبر می‌دهد. این مدل‌ها نشان می‌دهند که قاعده قضاوت تجاری به‌طور ضمنی، صریح یا قانونی در سیستم‌های حقوقی انتخاب‌شده به رسمیت شناخته می‌شوند که بر همین اساس می‌توان این‌ها را به عنوان مدل‌های ضمنی، صریح و قانونی درجه‌بندی کرد.

یک مدل ضمنی مدلی است که توسط انگلیس پذیرفته شده است و در آن، علی‌رغم عدم وجود ساختار قانونی به نام قاعده قضاوت تجاری، عناصر آن و درک کلی از عملکرد آن به طور ضمنی توسط دادگاه‌ها به رسمیت شناخته شده است. مدل صریح که توسط آمریکا پذیرفته شده است، مدلی است که در آن دکترین قضایی قاعده مذکور را در یک سیستم قضایی منسجم و سیستماتیک صراحتاً تصدیق نموده است. در نهایت مدل قانونی مدلی است که توسط استرالیا پذیرفته شده است که در آن قاعده قضاوت تجاری به صورت مدون در آمده است.

مدل‌های به‌کارگیری قاعده قضاوت تجاری رابطه مستقیمی با تأثیر روانی بر مدیر شرکت دارد. مدل قانونی به‌کارگیری قاعده قضاوت تجاری تأثیر ذهنی و روان‌شناختی مثبتی بر مدیرانی که در چنین قوانینی پاسخ فوری را برای محافظت از خود در برابر



شکایات می‌بینند، ایجاد می‌کند. در مقابل، یک مدل صریح و علی‌الخصوص ضمنی استفاده از قاعده قضاوت تجاری از حمایت روانی کمتری برخوردار است زیرا در این مدل‌ها باید به دکترین قضایی مراجعه و نحوه اجرای این قاعده را در آن یافت.

این مقاله نشان داده است که سه عامل اصلی وظیفه مراقبت، دعوی مشتق و دکترین قضایی مورد تأیید دادگاه‌ها وجود دارند که بر اتخاذ مدل‌های کاربرد قاعده قضاوت تجاری تأثیر می‌گذارند ولی این عوامل مطلق نبوده و یک راهنمای بی‌عیب و نقص نیستند و عوامل فرعی مکمل دیگری همانند سیاست اقتصادی، محدودیت‌های قانونی و قراردادی مسئولیت و ضرورت تبیین و تسهیل دسترسی به ضوابط قاعده قضاوت تجاری و سرعت در رسیدگی نیز وجود دارند که بر پذیرش این قاعده تأثیر می‌گذارند. البته این موارد حصری نبوده و با توجه به شرایط هر نظام حقوقی عوامل مختلف دیگری نیز ممکن است در دامنه به‌کارگیری قاعده قضاوت تأثیرگذار باشند.

بنابراین، جهت تعیین مدل استفاده از قاعده قضاوت تجاری باید عوامل اصلی و فرعی در راستای یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند. لذا بعید است که بتوان یک مدل جهانی استفاده از قاعده قضاوت تجاری یا یک توصیه کلی برای اتخاذ مدل تعیین‌شده از کاربرد قاعده قضاوت تجاری را اتخاذ نمود. با این حال، با توجه به افزایش تقاضا برای پاسخ‌گویی شرکت‌ها و کارایی اقتصادی و این واقعیت که این تقاضاها عوامل اصلی تأثیرگذار بر ترجیح مدل‌های قانونی یا صریح از قاعده قضاوت تجاری هستند، این مقاله نشان می‌دهد که در آینده حوزه‌های قضایی که از روند مسئولیت‌پذیری مدیریت و کارایی اقتصادی استقبال می‌کنند، از مدل‌های قانونی و صریح استفاده از قاعده قضاوت تجاری حمایت می‌کنند. لذا با توجه به بررسی‌های تطبیقی صورت گرفته و خصوصاً با توجه به نظام حقوقی استرالیا شایسته است در حقوق ایران به عنوان نظام حقوقی مدون نیز بدو مصالح و وظایفی که باید توسط مدیران در اداره امور شرکت رعایت شود تبیین و همچنین قاعده قضاوت تجاری و ضوابط اجرای آن جهت افزایش کارایی اقتصادی صراحتاً در قانون تجارت مدون گردد.



۸. منابع

۱-۸. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۹۲). حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، تهران، انتشارات سمت، جلد دوم، چاپ شانزدهم.

۲. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۹۶). حقوق تجارت، تهران، انتشارات دادگستر، جلد دوم.

ب) مقالات

۳. باریکلو، علیرضا؛ ساردوئی‌نسب، محمد؛ میرجلیلی، مهدی (۱۴۰۰). «بررسی قاعده اعتبار تصمیم متعارف تجاری مدیران در حقوق حاکم بر شرکت‌ها در امریکا و تطبیق آن با حقوق ایران»، *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، ۸(۱)، ۸۷-۱۱۰.

۴. پاسبان، محمدرضا؛ فرهانی، رسول (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی مدیران مستقل در حقوق شرکت‌های آمریکا و ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، ۲(۱۰۲)، ۲۰۵-۲۲۶.

۵. جاوید، معصومه؛ عاشوری، مهدی؛ کاویار، حسین (۱۴۰۰). «محدودیت‌ها و شرایط دعوی مشتق سهامداران اقلیت در حقوق انگلیس و حقوق رومی ژرمن: قانون، رویه و اصلاحات پیشنهادی»، *پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی*، ۵(۲)، ۹۱-۱۱۰.

۶. حسینی، پیمان (۱۳۹۵). "مفهوم مدیر عملی و مقایسه مسئولیت او با مدیر قانونی در شرکت‌های تجاری (مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه)"، *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۲(۱)، ۱۳۹-۱۶۰.

۷. سلطانی، محمد؛ غلامی، وحیده (۱۳۹۷). «مسئولیت مدیران در پرتو قاعده قضاوت حرفه‌ای؛ با تأکید بر حقوق ایالت دلوور امریکا»، *مطالعات حقوقی*، ۱۰(۳)، ۱۳۱-۱۵۷.

۸. صفری، ناهید؛ جهانشاهی، آرتین (۱۳۹۹). «حق‌الوکاله‌های احتمالی و مشروط»، *مطالعات حقوقی*، ۱۲(۲)، ۱۶۳-۱۹۴.

۹. طهماسبی، علی (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی دعوی مشتق چندجانبه در حقوق ایران و انگلیس»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۶(۴)، ۸۷-۱۰۹.



۱۰. قلی‌نیا، رضا؛ شاهسوندی، اسماعیل؛ بزرگمهر، امیرعباس؛ مشهدی‌زاده، علیرضا (۱۴۰۲). «استقلال مدیران شرکت‌های تجاری از انگاره تا واقعیت (مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایالت متحده آمریکا، انگلستان و ایران)»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۷(۴)، ۶۱-۹۷.
۱۱. محمدی، امید؛ گیوکی، ابراهیم؛ کبیری، محمدتقی (۱۴۰۰). «بررسی تأثیرپذیری مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت از اختلالات رفتاری مدیرعامل»، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۳(۳)، ۳۵-۶۴.
۱۲. موسوی‌مجاب، سیددُرید؛ شیرازی‌فردویی، زهرا (۱۴۰۲). «موقعیت اصل حسن نیت در فرایند دادرسی کیفری»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۷(۲)، ۷۷-۱۰۰.
۱۳. نساری، الناز (۱۴۰۲). «مسئولیت اجتماعی شرکتهای فراملی در چهارچوب حقوق بشر از اختیار تا الزام»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۷(۲)، ۴۰-۶۹.
۱۴. هاشمیان، فخرالسادات؛ عباسپور، عباس؛ رحیمیان، حمید؛ دلاور، علی؛ غیاثی، سعید (۱۳۹۶). «شناسایی عوامل مؤثر بر بهبود شایستگی مدیران»، *فرایند مدیریت توسعه*، ۳۰(۳)، ۱۶۱-۱۸۴.
۱۵. یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۹). «قلمرو فقه در حقوق موضوعه ایران»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۰(۲)، ۷۷-۹۱.

ج) قوانین

۱۶. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱
۱۷. لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷.
۱۸. قانون مدنی

۲-۸. منابع فارسی به لاتین

A) BOOKS

19. Skini, Rabia (2013). *Commercial law of commercial companies*, Tehran, Samt Publications, Volume II, 16th edition. [In Persian]



20. Sotoudeh Tehrani, Hassan (2021). *Business Law*, Tehran, Dadgostar Publications, second volume. [In Persian]

B) ARTICLES

21. Bariklou, Alireza; Sardoueinassab, Mohammad; Mirjalili, Mahdi (2021). "The Study of the Business Judgment Rule in Americans Corporate Law and its Comparison with Iranian's Law", *Law Comparative of Journal*, 8(1), 87-110. [In Persian]
22. GHoliniya R, Shamsavandi E, Bozorgmehr A A, mashhadizadeh A (2023). "Independence of Directors of Commercial Companies from Imagination to Reality (Comparative Studying the United States, England and Iran's Legal System)"; *Comparative Law Researches*, 27 (4) :61-97 URL: <http://clr.modares.ac.ir/article-20-72546-fa.html>. [In Persian]
23. Hashemian F, Abbaspour A, Rahimian H, Delavar A, Ghiasi S. (2017). "Identifying Factors Affecting Competency Improvement of Managers". *JMDP*. 30(3), 161-180. [In Persian]
24. Hosseini, P. (2016). "The notion of de facto director and comparison of his liability with a de jure director in the commercial companies (a comparative study of Iran and French law)". *Journal of Comparative Law*, 2(1), 106-127. doi: 10.22080/lps.2018.11695.1118. [In Persian]
25. Javid, M., Ashouri, M., & KAVIAR, H. (2021). "Restrictions and Conditions of Minority Derivative Litigation in British and Roman-German Law: Proposed law, procedure and amendments". *Journal of Comparative Law*, 5(2), 91-110. doi: 10.22080/lps.2022.22954.1299 [In Persian]
26. Mohammadi, O., Givaki, E., kabiri, M., & Moslemi, A. (2021). "An Investigation on the Impacts of Corporate Governance Mechanisms and Corporate Social Responsibility on CEO Behavioral Disorders". *Financial Accounting Research*, 13(3), 35-64. doi: 10.22108/far.2021.129357.1779. [In Persian]
27. Mousavi Mojab S D, shirazi fardoei Z (2023). "The Status of the Good Faith Principle in Criminal Proceedings"; *Comparative Law Researches*, 27 (2):70-100 URL: <http://clr.modares.ac.ir/article-20-61493-fa.html>. [In Persian]
28. Nesari, E. (2023). "Transnational Companies' Social Responsibility in the Framework of Human Rights; from Authority to Obligation". *Comparative Law Researches*, 27 (2) :40-69. URL: <http://clr.modares.ac.ir/article-20-64282-fa.html>. [In Persian]
29. PASBAN, M., & farhani, R. (2022). A Comparative Study of Independent Directors in American and Iranian Corporate Law. *Iranian Journal of Trade*



Studies, 26(102), 205-226.

doi: 10.22034/ijts.2022.246920 [In Persian]

30. Safari, N., & Jahanshahi, A. (2020). Contingency and Conditional fees. *Journal of Legal Studies*, 12(2), 163-194. doi: 10.22099/jls.2020.34416.3538. [In Persian]
31. Soltani, M., & Gholami, V. (2018). Directors 'Liability in Light of Business Judgment Rule, with emphasis on Delaware's Laws.. *Journal of Legal Studies*, 10(3), 131-157. doi: 10.22099/jls.2018.28690.2846. [In Persian]
32. tahmasebi A. "Comparative Study of Multiple Derivative Claim in Iranian and English Law". (2022). *Comparative Law Researches*, 26 (4) :87-109. URL: <http://clr.modares.ac.ir/article-20-67274-fa.html>. [In Persian]
33. Yazdaniyan, Alireza (2009). "The Field of Jurisprudence in Iran's Subject Laws", *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs, Research Institute of Humanities and Cultural Studies*, 10(2).77-91. [In Persian]

C) LAWS

34. Trade Law approved in 1311
35. The legal bill to amend a part of the Trade Law approved in 1347
36. Civil law

۳-۸. منابع لاتین

A) Books

37. Schneema, Angela (2013). *The Law of Corporations and Other Business Organizations*, New York, Delmar Cengage.
38. Zhao, Jingchen (2014). *Corporate Social Responsibility in Contemporary China*, Cheltenham, Edward Elgar Publishing [https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=ThOgAgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PR1&dq=J.+Zhao,+Corporate+Social+Responsibility+in+Contemporary+China+\(+Cheltenham:+Edward+Elgar+Publishing,+2014\),+141&ots=Biuh7QNrKc&sig=Z_7mqgZ946qxhkV0BnbtS88Fa1c#v=onepage](https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=ThOgAgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PR1&dq=J.+Zhao,+Corporate+Social+Responsibility+in+Contemporary+China+(+Cheltenham:+Edward+Elgar+Publishing,+2014),+141&ots=Biuh7QNrKc&sig=Z_7mqgZ946qxhkV0BnbtS88Fa1c#v=onepage)

B) Articles

39. Abdullah, Khalid Amin & Al-Jafari, Mohamed Khaled (2011). "The Effect of Sarbanes- Oxley Act (SOX) on Corporate Value and Performance", *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, (33), 42-55.
40. A. Eisenberg, Melvin (1998). "WHETHER THE BUSINESS-JUDGMENT RULE SHOULD BE CODIFIED", *BUSINESS JUDGMENT RULE*, vol 28, 33-50. <http://www.clrc.ca.gov/pub/BKST/BKST-EisenbergBJR.pdf>
41. A. Peeples, Ralph (1985). "Use and Misuse of the Business Judgment Rule in



- the Close Corporation", *NOTRE DAME LAW REVIEW*, 60(3).
<https://scholarship.law.nd.edu/cgi/viewcontent.cgi?referer=&httpsredir=1&article=2320&context=ndlr>
42. Arsht, S. Samue (1979). "The Business Judgment Rule Revisited", *Hofstra Law Review*, 8(1), 93-134.
<https://scholarlycommons.law.hofstra.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1269&context=hlr>
43. Cabrelli, David (2008). "The Reform of the Law of Directors' Duties in UK Company Law", *PRESENTATION FOR UNIVERSITÀ BOCCONI ON THE REFORM OF THE LAW OF DIRECTORS' DUTIES IN UK COMPANY LAW*, 1-57.
44. DEMETRA, ARSALIDOU (2003). "Objectivity vs flexibility in civil law jurisdictions and the possible introduction of the business judgment rule in English law". *The Company Lawyer*, 24 (8), 228-233.
45. Dvorsky, Ján & Gavurová, Beáta & Cepel, Martin & Cervinka, Michal (2020). "Impact of selected economic factors on the business environment: The case of selected east european countries", *POLISH JOURNAL OF MANAGEMENT STUDIES*, 22(2), 96-110.
https://www.researchgate.net/publication/348298110_Impact_of_selected_economic_factors_on_the_business_environment_The_case_of_selected_east_european_countries
46. Gramitto Ricci, Sergio Alberto & Miyairi, Jake (2016). "The Abstract Void in Practice: Has the Statutory Business Judgment Rule Changed the 'Acoustic Separation' Between Conduct and Decision Rules for Directors' Duty of Care?" *Cornell Legal Studies Research Paper, No. 17-18*, PP. 1-21
https://irlaw.umkc.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1767&context=faculty_works
47. Gurrea-Martínez, Aurelio (2018). "Re-examining the law and economics of the business judgment rule: notes for its implementation in nonUS jurisdictions", Harvard Law School, Program on International Financial Systems, Cambridge, MA, USA, *Journal of Corporate Law Studies*. 18, (2), 417-438
https://ink.library.smu.edu.sg/cgi/viewcontent.cgi?article=4927&context=sol_research
48. Hargovan, Anil & du Plessis, Jean (2014). "Re-assessment of the Statutory Business Judgment Rule in Australia - The Case for Law Reform", *CORPORATE LAW TEACHERS ASSOCIATION - BRIEFING PARLIAMENTARY JOINT COMMITTEE ON CORPORATIONS AND*



- FINANCIAL SERVICES, Oversight of ASIC, the Takeover*), 1-11.
https://www.researchgate.net/publication/348298110_Impact_of_selected_economic_factors_on_the_business_environment_The_case_of_selected_east_european_countries.
49. I. Steinberg, Marc (1983). "The American Law Institute's Draft Restatement on Corporate Governance: The Business Judgment Rule, Related Principles, and Some General Observations", *UNIVERSITY OF MIAMI LAW REVIEW*, 37(2), 295-317.
<https://repository.law.miami.edu/cgi/viewcontent.cgi?referer=&httpsredir=1&article=2279&context=umlr>
50. J. Rhee, Robert (2013). "The Tort Foundation of Duty of Care and Business Judgment", *notre dame law review*, 88(3), 1139-1198.
<https://scholarship.law.nd.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1129&context=ndlr>
51. Kamar, EHUD & Karaca-Mandic, Pinar & L. Talley, Eric (2007). "Sarbanes-Oxley Sarbanes-Oxley's Effects on Small Firms: What is the Evidence?", *USC CLEO RESEARCH PAPER NO. C07-9; USC LAW LEGAL STUDIES PAPER NO. 07-8; HARVARD LAW & ECONOMICS DISCUSSION PAPER NO. 588*, 1-36.
https://scholarship.law.columbia.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2479&context=faculty_scholarship
52. Keay, Andrew & Loughrey, Joan & McNulty, Terry & Okanigbuan, Francis (2019). "Business Judgment and Director Accountability: A Study of Case-law Over Time+", *Journal of Corporate Law Studies*, 20(2):1-29
<https://livrepository.liverpool.ac.uk/3065875/1/Case-Law%20Over%20time%20JCLS%20Sub%20anon%20submission%20%28graphs%20as%20jpegs%29Final%20%28002%29.pdf>
53. Knowles, Marjorie Fine & Flannery, Colin (1995). "The ALI Principles of Corporate Governance Compared with Georgia Law", *Mercer Law Review*: 47(1), 1-39.
https://digitalcommons.law.mercer.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1398&context=jour_mlr
54. LASTER, J. TRAVIS (2008). "GOODBYE TO THE CONTEMPORANEOUS OWNERSHIP REQUIREMENT", *DELAWARE JOURNAL OF CORPORATE LAW*, 33(3), 673-694.
<https://www.djcl.org/wp-content/uploads/2014/08/Goodbye-to-the-Contemporaneous-Ownership-Requirement.pdf>
55. Longman Dictionary of Contemporary English (2005). 4th edition, England:



Pearson Education Limited.

56. M. Bainbridge, Stephen (2004). "The Business Judgment Rule as Abstention Doctrine", *VANDERBILT LAW REVIEW*, 57(1), 83-130. <https://scholarship.law.vanderbilt.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1665&context=vlr>
57. M. Branson, Douglas (1986). "The American Law Institute Principles Of Corporate Governance And The Derivative Action: A View from the Other Side", *WASHINGTON AND LEE LAW REVIEW*, 43(2), 399-428. <https://scholarlycommons.law.wlu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2857&context=wlulr>
58. M. Branson, Douglas (2002). "The Rule that Isn't a Rule - the Business Judgment Rule", *VALPARAISO UNIVERSITY LAW REVIEW*, Vol. 36. 631-654. https://scholarship.law.pitt.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1232&context=fac_articles
59. M. Branson, Douglas (2011). "A Business Judgment Rule Incorporating jurisdictions in Asia", *Singapore Academy of Law Journal*, 23 SACLJ, 687-713. <https://journalonline.academyPublishing.org.sg/Journals/Singapore-Academy-of-Law-Journal-Special-Issue-e-Archive/ctl/eFirstSALPDFJournalView/mid/513/ArticleId/344/Citation/JournalsOnlinePDF>
60. McMillan, Lori (2013). "The Business Judgment Rule as an Immunity Doctrine", *WILLIAM & MARY BUSINESS LAW REVIEW*, 4(2). 521-574. <https://scholarship.law.wm.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1058&context=wmlr>
61. Muswaka, Linda (2013). "Shielding Directors against Liability Imputations: The Business Judgment Rule and Good Corporate Governance", *SPECJU JURIS*, the Southern African Legal Information Institute, 1, 25-40. <https://www.saflii.org/za/journals/SPECJU/2013/2.pdf>
62. Riley, Christopher A (1999). "The Company Director's Duty of Care and Skill: The Case for an Onerous but Subjective Standard", *Modern Law Review*, 62.1. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=214149
63. S.SHARFMAN, BERNARD (2017). "THE IMPORTANCE OF THE BUSINESS JUDGMENT RULE", *JOURNAL OF LAW & BUSINESS*, 14(1), 27-69.
64. Thai, Lang (2013). "Calling for reform to the statutory derivative action in Australia: Critical analysis and suggestions for reform", *Insolvency Law Journal*, 21(4), 242-262.



https://papers.ssm.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2982908.

65. Velasco, Julian (2015). "A Defense of the Corporate Law Duty of Care", *the Journal of Corporation Law*, 40(3), 643-700. https://scholarship.law.nd.edu/cgi/viewcontent.cgi?params=/context/law_faculty_scholarship/article/2134/&path_info=Velasco_40_J_Corp_L_647_2015_.pdf

C) Theses

66. Al Ahmary, Hussam (2018). **Does Saudi Corporate Governance attain International Standards using the UK Best Practice as an Exemplar**, A Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy in Law, University of London https://openaccess.city.ac.uk/id/eprint/23224/1/AI%20Ahmary,%20Hussam_Redacted.pdf
67. Christopher Parry, Wainedon Henri (2014). **THE RESPONSIBILITIES OF THE BOARD OF DIRECTORS IN PROMOTING THE PRINCIPLES OF CORPORATE GOVERNANCE**, Research Dissertation presented for the degree in Master of Laws (Commercial Law) in approved courses and a minor dissertation.
68. MAHARAJ, NITHEN (2015). **A discussion on the duty of care, skill and diligence to be exercised by a director in light of the Companies Act 71 of 2008, as well as the common law and an overview of the business judgement rule: A company law perspective**, Submitted in partial fulfilment of the degree of Master of Laws, coursework masters. University of KwaZulu-Natal, Pietermaritzburg campus. <https://researchspace.ukzn.ac.za/server/api/core/bitstreams/daf84de4-53b0-443c-8111-d208e5cfedb8/content>
69. Murisa Mupangavanhu, Brighton (2016). **DIRECTORS' STANDARDS OF CARE, SKILL, DILIGENCE, AND THE BUSINESS JUDGMENT RULE IN VIEW OF SOUTH AFRICA'S COMPANIES ACT 71 OF 2008: FUTURE IMPLICATIONS FOR CORPORATE GOVERNANCE**, presented in fulfilment of the requirements for the award of the degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY: COMMERCIAL LAW In the Faculty of Law, UNIVERSITY OF CAPE TOWN, <https://open.uct.ac.za/server/api/core/bitstreams/44105ff7-4454-4789-9b06-5059f2ef9347/content>

D) Websites

70. Allens (3 December 2020). Australian Institute of Company Directors Advice regarding the business judgment rule. Last seen at 2024/07/11.



<https://www.aicd.com.au/content/dam/aicd/pdf/news-media/research/2021/advice-regarding-business-judgment-rule.pdf>

71. Badawi, Adam B. (May 31, 2023), The Business Judgment Rule, Last seen at 2024/03/07. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=4465571
72. Economic Policy Reform and Australia's Recent Economic Performance, from Budget Paper No.1: Budget Strategy and Outlook 1999-2000. LAST SEEN AT 2024/07/11. <https://treasury.gov.au/sites/default/files/2019-03/round3-3.pdf>
73. mia, md. Suhel (2015). Critically examine the seven general duties of the directors under Company Act 2006, (November 10, 2014). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2602321> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2602321>. LAST SEEN AT 2024/07/11.
74. Economic Policy Reform and Australia's Recent Economic Performance, from Budget Paper No.1: Budget Strategy and Outlook 1999-2000. <https://treasury.gov.au/sites/default/files/2019-03/round3-3.pdf>

E) Cases

75. Aronson v Lewis, 473 A.2d 805 (Del.1984)
76. *Bodell v. General Gas Electric Corporation*, 15 Del.Ch. 420 (1927)
77. Cede & Co. v. Technicolor, Inc, Supreme Court of Delaware 634 A.2d 345 (1994)
78. Daniels v AWA Ltd (1995) 37 NSWLR 438
79. Godbold v Branch Bank, 11 Ala. 191 (1847)
80. Joy v. North, 692 F.2d 880 (2d Cir. 1982)
81. Percy v Millaudon, 8 Mart (n s) 68 (1829)
82. Smith v. Van Gorkom 488 A.2d 858 (Del. 1985)
83. Re Brazilian Rubber Plantation and Estate Ltd (1911) 1 Ch, 425
84. *Re Cardiff Savings Bank*, 2 Ch 100 (1892)
85. *Re City Equitable Fire Insurance Co*, Ch 407 at 429 is a UK company law (1925)
86. Zapata Corp v. Maldonado 430 A 2d 779 (Del. 1981)

F) Acts

87. Corporations Act 2001(Australia)
88. American Law Institute(ALI),1923([United States](#))
89. Sarbanes Oxley Act 2002([United States](#))
90. Insolvency Act 1986(UNITED KINGDOM)
91. Companies act 2006(UNITED KINGDOM)
92. Companies act 1985(UNITED KINGDOM)



The Uniform Model of the Business-Judgment Rule: a Comparative Study in English, American, Australian and Iranian Law

Hamid Abhari^{1*}, Omolbanin Ramzanzadeh Badeli², Seyedeh Tahereh
Mousavi Khatir³

1. Professor in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
2. Assistant Professor in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
3. Ph.D. Student in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Receive: 2024/07/12

Accept: 2024/11/02

Abstract

The Business-Judgment Rule can be defined as a doctrine that protects directors from personal responsibilities if they act in good faith, with due care and within the framework of their powers and duties, including the care and fiduciary duty. Accordingly to this research, with a comparative study of the American, England, Australian and Iranian law by relying on the analytical descriptive method, various models of the application of the Business-Judgment Rule were pointed out and the factors that led to the use of these models were investigated. Finally we concluded that the chance of using the uniform model of the Business-Judgment Rule is very low; but modern mechanisms of the corporate governance system in the field of responsibility and economic efficiency lead to the implementation of a legal or explicit model of the application of this rule.

Keywords: The Business-Judgment Rule, Care Duty, Fiduciary Duty, Derivative Litigation, Legal Model, Explicit Model, Implicit Model

* Corresponding Author's Email: h.abhari@umz.ac.ir